

شادی چرا رمیده؟ آتش چرا فسرده؟

منبع: سایت زیتون، روز پنج‌شنبه، مورخ: ۹۸/۱۲/۸

«رفت آن سوار کولی با خود تو را نبرده
شب مانده است و با شب تاریکی فسرده
کولی کنار آتش رقص شبانه‌ات کو؟
شادی چرا رمیده؟ آتش چرا فسرده؟»

نمی‌دانم سال ۹۸ شمسی کی به پایان می‌رسد و تلخی‌ها و تیرگی‌هایش دست از سرمان برمی‌دارد و رهایمان می‌سازد؟ سالی که با سیل سهمگین فروردین‌ماه آغاز شد. پس از وقوع چند زلزله ریز و درشت، کشتار خونین و خانمان‌سوز آبان‌ماه از راه رسید. زمستان نیز با ترور قاسم سلیمانی و کشته شدن بیش از شصت نفر در مراسم تشییع جنازه ایشان در کرمان، فاجعه سقوط هواپیمای اوکراینی و پریپر شدن ۱۷۶ نفر از مسافران مظلوم و بی‌گناه آن، انتخابات سرد اسفندماه که به تعبیر شمس تبریزی در مقالات، «یخ از آن می‌بارید» و کثیری از سر بی‌انگیزگی و بی‌رغبتی در آن شرکت نکردند عجین گشت. چند روزی است قصه پر غصه شیوع ویروس کرونا، نفس‌ها را در سینه میلیون‌ها ایرانی در سراسر کشور حبس کرده و به نگرانی‌های به حقشان دامن زده است. هر چند این سوی کره خاکی زندگی می‌کنم؛ اما به تعبیر زنده یاد شاملو، «چراغم در این خانه می‌سوزد» و دلمشغول احوال خانواده، بستگان، دوستان و توسعاً تمام هموطنان نازنینم هستم که در آن آب و خاک نفس می‌کشند و روز و شب را دوره می‌کنند. فارغ از اینکه چقدر دولت‌مردان و مسئولان درباره ویروس کرونا به موقع اطلاع‌رسانی کرده‌اند، که متأسفانه ظاهراً نکرده و تمهیدات لازم را نیندیشیده و پنهان‌کاری پیشه کرده‌اند؛ آنچه در این میان بیشتر رنج‌آور و حیرت‌زاست، سخنانی است که درباره چرایی مخالفت با بستن زیارتگاه‌ها در شهر قم که ظاهراً منبع اصلی شیوع این ویروس بوده، توسط برخی از مسئولان گفته می‌شود. چرا نحوه اطلاع‌رسانی و مواجهه با چنین خطراتی، در میان ما با عموم عقلائی عالم متفاوت است؟ چرا جان انسان‌های گوشت و پوست و خون دار وجه المصالحه قرار می‌گیرد و دستورات عالمانه و کارشناسانه دست اندرکاران حوزه پزشکی، به نحو اجباری در کشور اجرا نمی‌گردد؟

ظاهراً آمار واقعی مبتلایان به این ویروس، بیش از آمار رسمی اعلام شده است و مسئله خیلی جدی است. روشن است جلوگیری از شیوع یک بیماری ویروسی چه اقتضائاتی دارد و فلان مداح و بهمان روحانی در این باب صلاحیت اظهار نظر علمی و کارشناسانه ندارند. بدیهی است که امکان تکثیر این بیماری در مکان‌های عمومی که افراد زیادی در آنجا جمع می‌شوند، بسی بیشتر می‌شود و باید آنها را برای مدتی بست. سید محمد سعیدی،

تولیت حرم حضرت معصومه که می‌گوید: «این حرم مقدس را دارالشفای می‌دانیم، دارالشفای یعنی مردم بیایند و از امراض روحی و جسمی شفا بگیرند»، لختی با خود نمی‌اندیشد که اگر اینگونه بود، چرا اولین موارد بیماری با ویروس کرونا در شهر قم دیده و ثبت شده است؟ مضافاً بر این، چرا بیماران به بیمارستان‌های تهران منتقل شده و برای درمان در قم نمانده‌اند و شفا نگرفته‌اند؟! چگونه می‌توان در این شرایط، غیر مسئولانه و فارغ دلانه، مردم را به آمدن به حرم و شفا گرفتن از امراض جسمی و روحی دعوت کرد و به تعبیر سعدی در گلستان، رونق مسلمانی را برد و اسباب طعن خلائق را فراهم کرد؟

هیچ جای قرآن گفته نشده مقبره پیامبر دارالشفاء است، تا چه رسد به مقبره امامان و امام زادگان؟ در سوره «اسراء» هم که آمده است: «وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»؛ مراد، شفا و رحمت بودن مضامین بلند قرآن برای مومنان است و لا غیر. بکار بستن عقل متعارف و از دستاوردهای علم زمانه بهره‌بردن و از آن تبعیت کردن، هم متناسب و متلائم با مضامین قرآنی است، هم با سیره پیامبر اسلام سازگار است؛ از این رو روشن است که در وضعیت بغرنج کنونی باید به سیره عقلا رجوع کرد و سخنان بی‌مبنا و غیرعقلانه را فرو نهاد. اسباب تأسف است که هر چه پیش آمده‌ایم، برخی از مسئولان و کارنابلدان، بر طبل خرافه گستری کوبیده و در بسط «جهل مقدس» کوشیده‌اند:

«جاهلان سرور شدستند و ز بیم
عاقلان سرها کشیده در گلیم
هین روان کن ای امام المتقین
این خیال اندیشگان را تا یقین»

یکی از کارهای نحله نواندیشی دینی در دیار ما، مبارزه با خرافه گستری و جهل پراکنی بوده است. به‌رغم تلاش‌های نیکویی که در این باب شده و میراث ماندگاری که بزرگانی چون طالقانی و بازرگان از خود برجای گذاشته‌اند، بروز و ظهور افراد و سخنانی، از آن دست که آمد، حکایت از این مهم می‌کند که «هزار باده ناخورده در رگ تاک است» و نباید خرافه زدایی را، کاری پایان یافته تلقی کرد. بلکه، باید با تمام قوا به این مهم همت گمارد و به مسائلی چون علم و دین، عقل و وحی... همچنان پرداخت و استدلال کرد که برای مسلمان بودن و بدست دادن قرائتی انسانی و عقلانی از سنت دینی، لزومی ندارد عقل و علم زمانه و دستاوردهای آنها را فرو نهاد و تحفیف کرد؛ بلکه می‌توان نسبت بدان‌ها گشوده بود و از موارث نیکوی بشری استفاده بهیه نمود. بنای پراکندن گرد یاس و ناامیدی در فضای پر التهاب کنونی را ندارم. باید خود را نیازیم و دل قوی داریم و با بکار بستن دستورات پیشگیرانه پزشکان و به حداقل رساندن حضور خود در محافل عمومی، دست به دست هم دهیم و از شیوع ویروس مهلک کرونا جلوگیری کنیم. این ایام تلخ و سخت می‌گذرد:

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند
چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند